**٥٠ - تبديل وتبدّل اشياء**

و نيز از حضرت بهاءالله در لوح خطاب بعلی محمّد سراج است. قوله الاعلی: "جميع فلزّات بوزن و بصورت و مادّه يکديگر ميرسند ولکن علمه عندنا فی کتاب مکنون ميگوئيم علم معرضين باين مقام صعود ننموده که ادراک نمايند ذهب نحاس ميشود اينقدر هم ادراک ننموده که تراب ميشود اين رتبه که مشهود هر ذی شعوری بوده که کلّ از تراب ظاهر و بتراب راجع و تراب در قدر و قيمت ارخص از نحاس است چه که او از اجسام محسوب و نحاس از اجساد و اين بسی ظاهر و هويدا است اگر ناس لايق و بالغ مشاهده ميشدند هر آينه در اينمقام ذکر بعضی از علوم مستوره الهيّه ميشد ولکن قضی ما قضی."

و در کتاب ايقان است. قوله الاحلی: "مثلا در مادّه نحاس ملاحظه فرمائيد که اگر در معدن خود از غلبه يبوست محفوظ بماند در مدّت هفتاد سنه بمقام ذهبی ميرسد اگر چه بعضی خود نحاس را ذهب ميدانند که بواسطه غلبه يبوست مريض شده و بمقام خود نرسيده. باری در هر حال اکسير کامل مادّه نحاسی را در آنی بمقام ذهبی ميرساند و منازل هفتاد ساله بآنی طيّ نمايد آيا آن ذهب را بعد ميتوان گفت که نحاس است و يا بعالم ذهبی نرسيده و حال آنکه محک در ميان است و صفات ذهبی را از نحاسی معيّن و واضح مينمايد."

و در لوح مذکور خطاب بعليمحمّد سراج است. قوله الاعلی: "ياقوت را در نار بگذار و بعد ملاحظه کن که چه ميشود تا بر تبديل کلّشيئی الا الله موقن شوی ... در ياقوت انواع متعدّده و الوان مختلفه مشهود و جميع الوان آن در نار تغيير ميکند مگر دو قسم که بهرمانی و رمانی مشهورند و ايندو هم اگرچه بنار شديده در ايّام عديده تغيير مينمايد ولکن از وراء حجبات اگر در نار متوسّط بمانند ضرّی مشهود نه. و بعضی بر آنند که نار بر لون اين دو قسم بيافزايد. و امّا اگر در نار الهی که علم مکتوم ربانّی بکبريت احمر معروف است بر ياقوت القاء گردد فی الحين تکليس شود و چون سائر اجساد النار تصلح کلّ مفسد و تفسد کلّ مصلح تزيد الصالح صلاحا و الفاسد فسادا هر نفسی که از علم الهی مطّلع شده آنچه ذکر شده ادراک مينمايد و من دونه ليس لاحد نصيب الا بامر من لدن مقتدر قدير."